

روان‌شناسی خانواده و نقش تربیتی آن

دکتر علی اصغر احمدی

عضو هیات علمی دانشگاه تهران



مقدمه

خانواده واحدی است اجتماعی که از بدو خلقت انسان پدید آمده و در زمان‌های گوناگون، اشکال مختلفی به خود گرفته است. هر چند که برای انسان امروز، خانواده در شکل تک همسری به همراه یک یا چند فرزند، یا به عبارتی خانواده هسته‌ای، پذیرفته شده است، لیکن پیش از این و حتی در برخی جوامع موجود، اشکال دیگری از خانواده وجود داشته و دارد که گاه از مفهوم آشنای خانواده در نزد ما فاصله زیادی

می‌گیرد. خانواده گسترده، که در آن علاوه بر پدر و مادر، پدر بزرگ و مادر بزرگ و عموها و عمه‌ها همراه با خانواده خود، در یک مجموعه زندگی می‌کنند، شکلی آشنا از خانواده است که هنوز در برخی از جوامع وجود دارد و برای مردم ما نیز صورتی شناخته شده از خانواده به شمار می‌آید. تعدد زوجات یا چند زنی نیز مفهومی آشنا از خانواده است. لیکن چند شوهری معنای غریبی برای ما دارد. چند شوهری در برهه‌هایی از تاریخ وجود داشته، حتی در زمان حاضر در برخی از جوامع به چشم می‌خورد. مرداک^۱ در سال ۱۹۴۹ از مقایسه ۵۶۵ جامعه به این نتیجه رسید که چند همسری (اعم از چند زنی و چند شوهری) در ۸۰ درصد آن‌ها مجاز بوده است. او خاطر نشان می‌سازد که چند شوهری تنها در چهار جامعه از ۵۶۵ جامعه، یعنی در کم‌تر از ۱ درصد جوامع مجاز به شمار می‌آمده است. هم‌چنین نتیجه می‌گیرد که چند شوهری تنها در جوامعی وجود دارد که در فقر شدید به سر می‌برند و در آن‌ها کشتن نوزادان دختر^۲ رواج دارد. همان سنتی که در جاهلیت قبل از اسلام رایج بوده و اتفاقاً چند شوهری نیز در کنار آن رواج داشته است (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۳۳۴).

اشکال کمونی یا اشتراکی خانواده، نه تنها در سوابق تاریخی ذکر شده است که برخی از انسان‌ها در قرون نوزدهم و بیستم نیز تلاشی برای احیای مجدد آن به عمل آوردند: ... در قرن نوزدهم متفکران متعددی این موضوع را مطرح کردند که زندگی خانوادگی باید با شکل‌های اشتراکی‌تر جایگزین شود. برخی از این اندیشه‌ها به مرحله عمل در آمده که یکی از معروف‌ترین نمونه‌های آن اجتماع اونیدا^۳ در

مهم‌ترین نمونه

کنونی زندگی

خانوادگی اشتراکی

نمونه کیبوتص

اسرائیل است. بیش

از ۲۴۰ کیبوتص در

اسرائیل وجود دارد

که بر روی هم

نزدیک به ۱۰۰۰۰۰

عضو دارد.

نیوانگلند آمریکا بود که در نیمه قرن نوزدهم به وجود آمد. این اجتماع بر پایه اعتقادات مذهبی جان هامفری نویس^۴ استوار بود. همه مردان در این اجتماع، با همه زنان پیمان ازدواج بسته بودند و همگی آن‌ها پدر و مادران فرزندان اجتماع در نظر گرفته می‌شدند. بعد از رفع مشکلات مختلف اولیه، این گروه گسترش یافت و شمار آن به سیصد نفر رسید و پیش از آن که از هم بپاشد، تقریباً سی سال دوام داشت. از آن زمان تا کنون، کمون‌های فراوان دیگر در بریتانیا و هم چنین بسیاری از کشورهای دیگر غربی برپا گردیده‌اند. انواع بسیاری از گروه‌های اشتراکی در دهه ۱۹۶۰ تأسیس گردیدند که اغلب متضمن روابط آزاد جنسی در درون گروه و مسئولیت جمعی برای پرورش کودکان بود. تعداد کمی از آن‌ها هنوز وجود دارند.

مهم‌ترین نمونه کنونی زندگی خانوادگی اشتراکی نمونه کیبوتص اسرائیل است. بیش از ۲۴۰ کیبوتص در اسرائیل وجود دارد که بر روی هم نزدیک به ۱۰۰۰۰۰ عضو دارد. (گیدنز، ۱۳۸۱، ص ۴۵۱)

خانواده نه تنها به لحاظ شکل، بلکه از لحاظ فرایند شکل‌گیری و انحلال نیز در مراحل مختلف و در جوامع گوناگون، سرنوشت‌های متفاوتی داشته و دارد. مداخله خانواده دختر و پسر یا عدم مداخله آنان در ازدواج، یکی از وجوه این تمایز است.

در جوامع جمع‌گرا^۵ اغلب خانواده‌های دختران و پسران نقش اصلی در ازدواج آنان بر عهده دارند، در حالی که در جوامع فردگرا^۶، دختر و پسر در انتخاب همسر و تشکیل خانواده نقشی مهم‌تر از نقش خانواده خود ایفا می‌کنند. در چین به عنوان یک جامعه جمع‌گرا، نه تنها خانواده در ازدواج فرزند خود صاحب نقش اساسی است، بلکه علاوه بر آن، کارفرمای دختر و پسر نیز در مورد ازدواج آنان باید نظر داده، با اجازه او

ازدواج انجام گیرد. این قانون تا سال ۲۰۰۳ جاری بوده و در این سال لغو شده است.

انحلال خانواده، که رایج ترین شکل آن طلاق است نیز سرنوشتی متفاوت دارد. طلاق در بین کاتولیک‌ها، در قرون متمادی حرام و غیرمجاز به شمار آمده است. در قرن بیستم، فشارهای افکار عمومی، بسیاری از دولت‌های کشورهای مسیحی را وادار به عقب‌نشینی از این موضع کرده و طلاق را به رسمیت شناخته‌اند. با این حال هستند کشورهایی که هنوز در آن‌ها طلاق غیرقانونی است. در ایرلند، در فراندومی که در سال ۱۹۸۶ برگزار شد، اکثر مردم علیه دادن اجازه طلاق رأی دادند (گیدنز، ۱۳۸۱، ص ۴۳۷) و این در حالی است که در بسیاری از کشورهای جهان سخن بر سر افزایش سرسام آور طلاق است. در انگلستان در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میزان طلاق به طور ثابت هر سال ۹ درصد افزایش یافت و طی آن دهه دو برابر شد. (همان)

در ایران نیز شاهد افزایش کمی طلاق در سال‌های گذشته بوده‌ایم، لکن این امر به معنای افزایش نسبی آن نیست. به لحاظ نسبی می‌توان ادعا کرد که در بین سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۸۰ نه تنها طلاق افزایش نیافته که در برخی از سال‌ها نسبت به سال قبل خود کاهش نیز یافته است. شاخص قابل اعتماد در این زمینه به دست آوردن نسبت طلاق به ازدواج در هر سال است. چنان که در جدول زیر که از دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور اخذ شده است، مشاهده می‌شود، در کل کشور در سال ۱۳۶۵ نسبت طلاق به ازدواج ۱۰/۳۹ درصد بوده است و در سال ۱۳۸۰ این نسبت به ۹/۴ درصد رسیده است. این در حالی است که در بین این دو سال فراز و فرودهایی را نیز شاهد بوده‌ایم. به طوری که پایین ترین نسبت طلاق به ازدواج در کل کشور، در سال ۱۳۷۵ بوده و این حد کمینه در نقاط

به لحاظ نسبی می‌توان ادعا کرد که در بین سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۸۰ نه تنها طلاق افزایش نیافته که در برخی از سال‌ها نسبت به سال قبل خود کاهش نیز یافته است.

مقایسه ساده و درصدی ازدواج و طلاق در فاصله ۱۳۶۵ و ۱۳۸۰ در ایران

سال	جمع		نقاط شهری		نقاط روستایی	
	ازدواج	طلاق	ازدواج	طلاق	ازدواج	طلاق
۱۳۶۵	۳۴۰۳۴۲	۳۵۲۱۱	۲۲۵۰۱۱	۲۹۳۷۹	۱۱۵۳۳۱	۵۸۳۲
۱۳۷۰	۲۴۸۸۵۱	۳۹۳۳۶	۳۱۱۰۲۰	۳۳۲۱۰	۱۳۷۸۳۱	۶۱۲۶
۱۳۷۵	۲۷۹۲۶۳	۳۷۸۱۷	۳۵۷۱۳۸	۳۲۶۹۷	۱۲۲۱۲۵	۵۱۲۰
۱۳۷۶	۵۱۱۴۰۱	۴۱۸۱۶	۳۸۷۲۷۶	۳۶۴۵۹	۱۲۴۱۲۵	۵۳۵۷
۱۳۷۷	۵۳۱۴۹۰	۴۲۳۹۱	۴۱۲۵۶۵	۳۷۶۲۶	۱۱۸۹۲۵	۴۷۶۵
۱۳۷۸	۶۱۱۰۷۳	۵۱۰۴۴	۴۷۶۲۸۴	۴۵۲۷۴	۱۳۴۷۸۹	۵۷۷۰
۱۳۷۹	۶۴۶۴۹۸	۵۳۷۹۷	۴۹۹۱۴۳	۴۷۹۳۶	۱۴۷۳۵۵	۵۸۶۱
۱۳۸۰	۶۴۰۷۱۰	۶۰۵۵۹	۴۹۵۶۲۹	۵۴۶۰۳	۱۴۵۰۸۱	۵۹۵۶

شهری در سال ۱۳۷۷ و در نقاط روستایی در سال ۱۳۷۹
ثبت شده است.

البته ذکر این نکته لازم است که نسبت طلاق به ازدواج در استان تهران پیوسته بالاترین رقم را به خود اختصاص داده، به طوری که در کل استان در سال ۱۳۸۰ این نسبت ۱۷/۱ درصد، در نقاط شهری استان ۱۷/۴ درصد و در نقاط روستایی ۱۱/۵ درصد ثبت شده است. استان ایلام کمترین رقم یعنی ۳/۳ درصد را به خود اختصاص داده است.

اینک با توجه به مفهوم گسترده‌ای که از خانواده در جهان وجود دارد و نیز اشکال گوناگون شکل‌گیری و انحلال آن، سخن از روان‌شناسی خانواده به میان آوردن بسیار دشوار می‌نماید. به محض این که سخن از خانواده گفته شود، این سؤال به میان خواهد آمد که مقصود ما کدام خانواده است؟ خانواده تک همسری یا چند همسری؟ خانواده گسترده یا هسته‌ای؟ خانواده مادر تبار یا پدر تبار؟ خانواده سست بنیاد یا سخت بنیاد؟ خانواده در جوامع فردگرا یا جمع‌گرا؟ خانواده در جوامع شهری یا روستایی؟ خانواده در تهران یا ایلام؟ و سؤال‌های دیگری که می‌تواند در ترسیم تصویری واحد از خانواده، مؤثر باشد.

با این حال ما با در نظر گرفتن یک خانواده هسته‌ای متوسط شهری مباحث مربوط به روان‌شناسی خانواده و نقش تربیتی آن را سامان خواهیم داد. مهم‌ترین مرجع داوری ما دربارهٔ چنین خانواده‌ای، علاوه بر مواجهه با مسایلی که پدران و مادران در جلسات آموزش خانواده مطرح می‌کنند، مطالب و مشکلاتی است که زنان و شوهران و فرزندان در مراجعه به مراکز مشاوره به دقت آن‌ها را شرح می‌دهند.

در روان‌شناسی،
گرایش حاکم تأکید
بر مطالعه فرد دارد.
روان‌شناسی تلاشی
است در جهت
شناخت رفتارهای
افراد.





جو یا فضای روانی حاکم بر خانواده

در روان‌شناسی، گرایش حاکم تأکید بر مطالعه فرد دارد. روان‌شناسی تلاشی است در جهت شناخت رفتارهای افراد. از سوی دیگر جامعه‌شناسی درصدد مطالعه گروه‌های انسانی است، اعم از گروه‌های کوچک تا جامعه جهانی. برای مطالعه روان‌شناسی خانواده می‌باید مفهومی واسطه‌ای تحت عنوان جو یا فضای روانی حاکم بر خانواده را مورد توجه قرار دهیم. این جو یا فضای روانی است که بر رفتارهای اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد. مقصود از فضای روانی، شرایطی است که چگونگی رفتار افراد را تعیین می‌کند.

برای درک بهتر فضای روانی، می‌توانیم از مثال‌های بسیار آشنا برای خانواده‌ها استفاده کنیم. بسیاری از پدران و مادرانی که در توصیف فرزند نوجوان و جوان خود می‌گویند: او در بیرون و در بین مردم

شخصیتی بسیار آرام و دوست‌داشتنی دارد ولی در خانه آرامش را از همه سلب می‌کند. به بیان دیگر، فرزند وقتی در فضای روانی خانواده قرار می‌گیرد، تبدیل به فردی دیگر می‌شود. شکایت مشابهی را از طرف برخی از خانم‌ها در مورد شوهرانشان می‌شنویم. این گونه افراد شوهر خود را دارای شخصیتی دوست‌داشتنی، قابل احترام و خدمت‌گزار در خارج از خانه و شخصیتی خشن، بی‌مسئولیت و بهانه‌گیر در درون خانه توصیف می‌کنند. به تعبیر دیگر باید گفت که ورود چنین مردانی به فضای روانی حاکم بر خانه، آنان را این گونه وادار به تغییر رفتار می‌کند.

از این دست مثال‌ها بسیار فراوان است. ما باید به این نکته توجه داشته باشیم که مجموعه تعامل‌ها، روابط و تجربیاتی که اعضای خانواده با یکدیگر دارند، فضای روانی حاکم بر خانه را رقم زده، واکنش‌های متناسب

عنصر مهم در روان‌شناسی خانواده، شناخت جو یا فضای روانی حاکم بر آن است و در تربیت نیز نکته اساسی، هدایت این جو و فضا به سمت شرایط مطلوب تربیتی است.

با این فضا را تعیین می کنند. این واکنش ها در اصل حاصل یک جو گرفتگی روانی است. در چنین شرایطی این فرد نیست که رفتار می کند، بلکه این جو است که به او شکل رفتار را القا می کند. وقتی کسی می گوید در رودریاستی قرار گرفتم و چنین رفتار کردم، یا این که روی لچ و لجبازی چنان کردم یا نمی دانم چه شد که آن گونه حرف زدم، همگی اشاره به حاکمیت جو روانی بر رفتار دارد. حاکمیت شرایط خاص بر بروز رفتار، در روان شناسی اجتماعی به گستردگی مورد بحث قرار گرفته است. در برخی از مطالعات و تحقیقات، تأثیر شرایط بر بروز رفتار مجرمانه نیز مطرح شده است (دادستان، ۱۳۸۲، ص ۲۱۹).

عنصر مهم در روان شناسی خانواده، شناخت جو یا فضای روانی حاکم بر آن است و در تربیت نیز نکته اساسی، هدایت این جو و فضا به سمت شرایط مطلوب تربیتی است.

تفاوت رفتار ما در شرایط مختلف، از جمله رفتار در خانه، در محل کار، در مراسم سخنرانی، ترجمیم و امثال این ها، ناشی از ریاکاری ما نیست، بلکه ناشی از همین واکنش طبیعی ما نسبت به شرایط اجتماعی است. شما وقتی وارد یک کتابخانه می شوید، شرایط حاکم بر کتابخانه شما را دعوت به سکوت می کنند. حتی اگر لحظه ای متوجه شوید که کفش هایتان موقع راه رفتن صدا می کند، حرکات خود را طوری تنظیم می کنید که آن صدا را به حداقل برسانید. ولی وقتی وارد یک بانک شلوغ یا یک ناهارخوری پر ازدحام می شوید، نه تنها متوجه صدای پا یا کفستان نمی شوید، که ناخود آگاه ممکن است دوستی را با صدای بلند صدا بزنید، یا این که خود

را در صف به هم ریخته و شلوغی به زور جای دهید. این دو رفتار، یعنی رفتار مؤدبانه و مبادی آداب یا رفتار شلوغ و به هم ریخته از دو شخصیت متفاوت سرچشمه نمی گیرد، بلکه واکنشی است از جانب یک شخصیت در مقابل دو موقعیت متفاوت.

با این توصیف سؤال این است که آیا ما می توانیم فضای روانی حاکم بر خانواده را مورد بررسی قرار داده، ویژگی های آن را تشریح کنیم؟ آیا می توانیم انواع فضاهای روانی موجود در خانواده را طبقه بندی کرده و فضاهای آسیب زا را از فضاهای غیر آسیب زا مجزا کنیم؟ در پاسخ باید بگوییم تلاش ما در این جا این است که ابتدا ویژگی های کلی فضای روان شناختی حاکم بر خانواده را تشریح کرده، سپس به سایر عوامل مؤثر بر این فضا بپردازیم.

تفاوت رفتار ما در شرایط مختلف، از جمله رفتار در خانه، در محل کار، در مراسم سخنرانی و ... ناشی از ریاکاری ما نیست، بلکه ناشی از واکنش طبیعی ما نسبت به شرایط اجتماعی است.

پی نوشت:

- 1- MURDOCK, GEORGE
- 2- FEMALE INFANTICIDE
- 3- ONEIDA COMMUNITY
- 4- JOHN HUMPHREY NOYES
- 5- COLLECTIVISTIC SOCIETIES
- 6- INDIVIDUALISTIC SOCIETIES

منابع:

- دادستان، پریرخ: روان شناسی جنایی، انتشارات سمت، تهران ۱۳۸۲.
- گیدنز، آ: جامعه شناسی، ترجمه منصوری، نشرنی، تهران ۱۳۸۱.
- مطهری، استاد شهید مرتضی: نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، تهران ۱۳۷۵.
- Murdock, George (1979) social structure, Newyork, Macmillan.

روانشناسی خانواده و مطالعات فرهنگی
 مجله علمی پژوهشی
 فصلنامه علمی پژوهشی
 سال چهارم، شماره اول، زمستان ۱۳۸۱